

مختصر وافی در علم قوافی

از جامیست نه از قآنی

کتابی بنام "یادگار نامه حبیب یغمایی" در سال ۱۳۵۶ ش در (۵۵۱) صفحه مشتمل بر مقالات تحقیقی دانشمندان و برخی از منظومات شاعران معاصر بمناسبت سییمین سال انتشار مجله یغما در تهران طبع شده و در آن سهوی روی داده که رفع و تصحیح آن انطباق بنظر می آید تا در تاریخ ادبیات دری این اشتباه باقی نماند و خوانندگان آن کتاب ملتفت باشند و مال یکی را بدیگری ندهند.

در صفحه (۲۰۱) یادگار نامه بقلم آقای کرامت رعنا حسینی چنین نوشته شده :

"در جنگی بخط خود میرزا حبیب قآنی که در کتابخانه مجلس شورای ملی (تهران) است و در جلد دهم فهرست عبدالحسین حایری (ص ۶۷۸) معرفی شده رساله ناقص و ابتری از خود قآنی محفوظست و در آغاز و انجام آن اشعاری باشاره "لمحرره قآنی" دیده میشود که بین آهوان و سمنان گفته شده در سنه (۱۲۵۳ هـ) و خود رساله قافیه مشتمل است بر یک مقدمه و پنج فصل که در یادگار نامه از ص ۲۰۳ تا ۲۱۲ بنام قآنی (شاعر مدیحه سرای دوره قاجاری) بچاپ رسیده است. ناشر این اثر حضرت جامی بنام قآنی - که بین هر دو سه و نیم قرن فاصله است اشتباه عجیبی را مرتکب شده، وی دیده که قآنی اشعار خود را به اشاره "لمحرره" برین رساله بخط خود نوشته

پس بدون کنج کاوی و تحقیق بر معرفی مختصر و سرسری فهرست نگار (حایری) اعتماد کرده و این رساله را که اصلاً تالیف مولانا عبدالرحمن جامی هرویست بمیرزا حبیب قآنی نسبت داده در حالیکه قآنی فقط ناقل و کاتب انست نه مؤلف :

وشتان بینهما

جای تعجب است که ناشر محترم درین باره به نشرات شهر خود هم توجهی نکرده و مرتکب چنین اشتباهی شده است.

ور نه اگر بغرض تحقیق مزید به کتاب از سعدی تا جامی طبع و ترتیب جناب حکمت در تهران (ص ۵۷۴) رجوع کردی در آنجا خواندی که : "جامی را رسایل و تالفاست در عروض و قافیه طبع بلوکمان در کلکته ۱۸۷۲" و باز اگر فهرست کتابخانه دانشکده حقوق تالیف آقای دانش پژوه را دیدی در آن چنین خواندی

قافیه (رساله در) از عبدالرحمن جامی در یک مقدمه و پنج فصل و یک خاتمه. آغاز : هده رساله قافیه تصنیف مولانا عبدالرحمن حاسی .. بسمله بعد از تیمن بوزون ترین کلامی ... ، انجام : زان روی سعد ذابح آهخته کار دست (که عین آغاز و انجام رساله منسوب به قآنی است.)

سند دیگر : در کتاب جامی تالیف جناب حکمت ص ۱۶۲ و ۱۶۸ و در فهرست کتابخانه سپه ۲ / ۴۴۹ و فهرست دانشکده ادبیات ص ۳۷۵ نیز ذکر همین رساله حضرت جامی آمده است، که باید ناشر آن این کتابها را میدید و مؤلفه جامی را بنام قآنی منتشر نمیکرد.

علاوه برین دلایل ذیل وجود دارد که این رساله از جامی است .
۱. من جنگی خطی فراهم آورده یکتن هراتی دارم که جد خود را عبیدالله ابن ابو سعید هروی می نامد و در حدود (۱۲۰۰ ه) نوشته شده، و از محتویات آن یکی همین رساله

"مختصر وافی بقواعد علم قوافی" بام صریح حضرت جامیست که پنجاه سال قبل از قآنی نوشته شده است.

۲. در کتابخانه جامعه عثمانیه حیدر آباد دکن نیز نسخه خطی همین رساله جامی در (۱۴) صفحه بخط میر احمد علی موسوی شوشتری در جمادی الاولی (۱۲۹۴ ه) موجود است بنام "وافی بقواعد علم قوافی" از مولانا جامی.

۳. طبع بلوکان در کلکته در (۱۲۹۰ ه) عیناً با همین متن و محتویات بنام حضرت جامی صورت گرفته است که باید از روی این شواهد اشتباه ناشر و انتشار نادرست آنرا به قآنی تصحیح کرد و در نشر چنین متون از اعتناء خاص و تحقیق کار گرفت.

اگر چه رساله کوچک در بحر فضایل و معارف حضرت جامی بمنزله قطره در دریاست ولی انتساب آن من غیر استحقاق به دیگری نیز ناجایز و دور از روش تحقیق است مخصوصاً در صورتی که این کتاب یادگار نامه در تحت نظر یکدسته فضالی محقق نشر شده است. (۱)

کابل - یکم سنبله ۱۳۵۸ - حبیبي